

فقر اندیشه‌های

مارکسیزم در میان کارگران جوان

چندی پیش، در یک جمع کارگری رفیق جوانی از فقر اندیشه‌های مارکسیزم در میان کارگران جوان نسلمان گلایه می‌کرد. او که به تازگی خاطرات انقلاب یکی از نیروهای چپ را مطالعه کرده بود، با حسرت از فضایی یاد می‌کرد که نشانه‌ی بارز بالندگی محیط‌های کارگری آن زمان بود. از جلسات نقد نظام سرمایه‌داری، از بحث و بررسی مشکلات طبقه‌ی کارگر و مهم‌تر تلاش مداوم کارگران و روشنفکران چپ برای چاره‌جویی.

گلایه‌های این رفیق درد مشترک همه‌ی ما بود. ما نیز با او در این که طبقه‌ی کارگر جوان عصر ما از فقر تنوری رنج می‌برد توافق داشتیم. از این که امروز اگرچه آلام‌ها بیان می‌شوند، آن‌هم در سطحی وسیع اما هنوز سخن از علاج این دردها در میان نیست، رنج می‌بردیم. ما آن‌چه از جنبش کارگری دیروز به ما رسیده بود را با وضعیت کنونی مقایسه می‌کردیم و این سطح نازل از آگاهی برای هیچ کدامان قابل قبول نبود به ویژه این که در مقایسه با سه دهه‌ی قبل اکثریت نسل ما از متوسط تحصیلات برخوردار و جمعیت فزاینده‌ای نیز آموزش عالی را گذرانده است.

«چرا؟»

این سؤالی بود که حال در ذهن جمع کوچک ما چرخ می‌خورد و به دنبال پاسخ فرمان را درگیر خود می‌ساخت. رفیقی پاسخ را یافت!

« من تصور می کنم که عامل اصلی این رکود خفقانی است که بیست و پنج سال حکومت جمهوری اسلامی بر طبقه ی کارگر تحمیل کرده است. از خشونت عریان تا دامن زدن به یأس و درماندگی در جنبش کارگری. رژیم در سال های اول حیات برای استحکام پایه های قدرت خویش با سرکوب، اعدام و حذف نیروهای چپ دست به آن چنان ارعابی در میان طبقه ی کارگر زد که نمی توان به آسانی از شدت نتایج رخوت آورش در جنبش خلاصی یافت. ارتجاع آخوندی آن چنان ضربه ای به درخت تناور جنبش چپ وارد ساخته است که جوانه زدن شاخه های جوان از این تنه ی زخمی در نظر بسیاری به رویا می ماند. علاوه بر این فروپاشی بلوک شرق نیز بی تاثیر نبوده است.»

سایر رفقا به تأیید گفته ی او سر تکان دادند. اما رفیق دیگری از میان جمع گفت:

« رفیق! ما بارها در همین جمع بر سر بوروکراسی شوروی و علل انحطاط آن گفتگو کرده ایم. و همه بر سر انحراف آن از اندیشه های سوسیالیستی بنیانگزاران انقلاب اکتبر اتفاق نظر داریم. آن چه در شوروی رخ داد نمی تواند حقانیت مکتب مارکس را زیر سؤال ببرد. تا زمانی که روابط سرمایه داری بر جوامع حاکم باشد، طبقه ی ما در چالش با آن و تضادهای ذاتی اش، به ناچار به سوی اندیشه ی براندازی متمایل می گردد. اگر چه در طی دوران هایی نظام سرمایه موفق می شود که اندیشه ی انقلاب را کمرنگ سازد اما هرگز نمی تواند آن را محو سازد. حال گیریم که بر درخت تبر زده اند، ریشه های آن که نخشکیده است! تنه ی درخت از میان رفته است اما ریشه هایش در خاک زنده اند و استوار. بنابر این رشد دوباره ی جنبش کارگری و مسلح گشتن

کارگران جوان به تئوری مارکس برای تدارک یک انقلاب سوسیالیستی نباید چندان دور از واقعیت به نظر برسد.»

« رفیق! آیا می توانی برایمان مشخص کنی که منظورت از ریشه های درخت چیست؟»

« کمونیست های پیش کسوت! آن ها منابع گرانبهای از گذشته ی جنبش کارگریند. ضعف ها و نقاط قوت جنبش را به تجربه دریافته اند و امروز قادرند ما را در مبارزه راهنمایی کنند. ما بایستی در ارتباط مستمر با آن ها آموخته های خود را صیقل دهیم و با توجه به تجربیات گذشته ی جنبش کارگری فعالیتیمان را دنبال کنیم. راه های نوین برای مبارزه کشف کرده و در یک کلمه درجا نزنیم. رفقا! در نظر نگرفتن پشتوانه ی دویست ساله ی جنبش کارگری جهانی، حماقتی است که تنها سود دشمن را در پی دارد.»

« صحیح می گویی اما چرا تا کنون این رفقا از راهنمایی دریغ کرده اند؟! »
اشتباهات گذشته اگرچه به وضعیت امروز منجر شده اما نباید با توقف انگشت بر آن بر هزینه ای که جنبش متحمل گشته است، افزود. در برابر رسالت امروز ما این که در شکاف عظیمی که دو نسل را از هم جدا ساخته است چه کسی مقصر است، اختناق رژیم یا سهل انگاری کمونیست های قدیم، چندان اهمیتی ندارد. عظمی راسخ که بایستی شکاف را از میان ببرد یکی از اساسی ترین ضروریات امروز جنبش کارگری است. کارگر جوان امروز مستعد آموختن و جذب اندیشه ی انقلابی طبقه ی کارگر، مارکسیزم، است. او این پویایی و توان بالقوه را دارد که با ممارست مبدل به یک مارکسیست انقلابی شود و سنگر انقلاب را در برابر ارتجاع سرمایه داری داخلی و خارجی تقویت کند. اما دستی باید وی را به سوی مسیر صحیح هدایت کند، تجارب

گذشته ی مبارزه را به وی منتقل سازد و جرقه ی بالفعل گشتن این استعداد را بزند. حال در این میان چه کسی از مبارزین کمونیست نسل قدیم که بی شک از توانایی تربیت نیروی تازه نفس انقلاب برخوردارند، شایسته تر است؟
نمی توان از کارگرجوانی که در فضای مسموم جمهوری اسلامی متولد و رشد کرده است انتظار دگردیدی ذاتی به یک مارکسیست انقلابی را داشت. به ویژه آن که وی در دسترسی به منابع مطالعاتی مکتوب فقیر است و در صورت محروم ماندن از آموزش رفقای پیش کسوت انفعالش حتمی می گردد.

رُزا جوان

۱ مرداد ۱۳۸۳

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری